

”

تقریباً بدون کمک هیچ‌کس، با سرمایه خودمان و وام‌هایی که می‌توانستیم بگیریم، سیستم (اینوباس) را توسعه دادیم.



تعداد اعضا هم زیاد هست ولی وقتی نگاه می‌کنید یک نفر این طرف شهر است و یک نفر آن طرف شهر. ما می‌آییم چند تا از سازمان‌ها را با هم اجرا می‌کنیم؛ یعنی می‌بینیم کارمندان ایشان کجای شهر هستند و برای همه این‌ها یک سرویس می‌گذاریم. این یک حالتش است، یک حالت دیگر مثلاً یک دانشگاهی یا مؤسسه‌ای هست که می‌خواهد سرویس خودش را داشته باشد. خوب ما می‌آییم برایش سرویس اختصاصی می‌گذاریم ولی جوری مدیریت می‌کنیم که هزینه آن کسی که دارد استفاده می‌کند (اگر قرار باشد هزینه را خودش پرداخت کند) کمتر باشد؛ مثلاً کارخانه‌ای نمی‌تواند سرویس برای کارمندان‌هایش بگذارد و باید هزینه سرویس به پای کارمند باشد. حتی مثلاً کارخانه‌هایی دیده‌ایم که چون نمی‌تواند سرویس برای کارمندان‌هایش بگذارد، نمی‌تواند از همه جای شهر نیرو بگیرد. ما شرایطی را برایشان فراهم می‌کنیم که بتوانند این‌ها را با هزینه کمتر مدیریت کنند. در حوزه تأمین‌کننده هم انتخاب‌های مختلفی وجود دارد. حالا وقتی براساس درخواست‌های یک سرویسی تشکیل می‌شود، آن مرکز ممکن است خودش اتوبوس داشته باشد، یا پیمانکار فعلی خودش را در پنل سیستم وارد کند یا می‌تواند از ظرفیتی که ما در شهرداری ساخته‌ایم و «هماسازان حمل‌ونقل شهرداری» نام دارد، استفاده کند.

الان با در نظر گرفتن نیازها و سرویس‌دهی‌های مختلف، سیستم اینوباس طراحی شده و چند بار هم ویرایش خورده است؛ مدام نیازهای بیشتری را دیده و کار را اصلاح کرده‌ایم. هم‌زمان هم کارهای مرتبط با شهرداری را پیش برده‌ایم؛ مجوز بگیریم، اتوبوس‌ها را بهمان بدهند. خوب یک مقدار اعتماد کردن به تیم جوان سخت بود ولی ما این کار را کردیم؛ مصوبه شورای شهر را گرفتیم بابت پروژه‌مان، قرارداد بستیم با شهرداری، دوستان را مجاب کردیم که به ما کمک کنند و بگذارند که بهشان کمک کنیم. الان هم یک افق‌هایی برای پیشرفت کار داریم و البته هر قدر که جلومی‌رویم، مسائل برایمان روشن‌تر می‌شود.

مشکلات را حل کند. تقریباً بدون کمک هیچ‌کس، با سرمایه خودمان و وام‌هایی که می‌توانستیم بگیریم، سیستم (اینوباس) را توسعه دادیم. اسم اینوباس هم به زبان یزدی خودمان به معنای «این را بگیر» است.

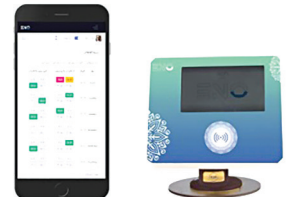
تولد اینوباس

البته قبلاً هم یک سری کارها در حوزه سرویس انجام شده بود؛ مثلاً یک مجموعه‌ای بود به نام «به‌همراه» اگر اشتباه نکنم، چند تا مینی‌بوس داشت می‌آمد می‌گفت که من این ساعت‌ها دارم از این نقطه می‌روم به آن نقطه و هر کس که می‌خواهد، بیاید بلیتش را بخرد. یک نمونه‌های اینچنینی بود که شباهت‌هایی به کار ما داشت ولی مثل آن نبود و وقتی کرونا آمد هم دیگر ناپود شدند؛ بنابراین چیزی تحت عنوان سرویس سازمانی به این شکلی که ما داریم تقریباً نیست. البته مثلاً مؤسسه‌هایی مثل اسنپ، بخش‌هایی را دارند ولی به این شکلی که ما امکان‌های مختلف را جمع کرده‌ایم، نیست.

کلید کار ما این است که ما داریم برای سازمان‌ها سرویس می‌گذاریم. اگر الان دقت کنید خیلی از سازمان‌ها هستند که دوست دارند سرویس داشته باشند ولی شرایطش را ندارند؛ تعداد اعضای سازمان کم است یا حتی



نمونه‌ی اولیه دستگاه و سایت



دستگاه و سایت فعلی